

ستاره سرخ

ستاره سرخ - شماره ۲۵ - سال سوم

اسفند ماه ۱۳۵۱ - برابر مارس ۱۹۷۲

کسانی بودند که در لحظه امتحان ضعیف آرزو داشتند و منکر اصالت عقاید و نظرات سیاسی و اجتماعی خود شدند و بهمین جهت نیز از زندان آزاد گردیدند. من شکی ندارم که آنان یابوست سال بعد دروغ گفته اند یا از بیم جان بمقامات تحقیق دروغ گفته اند و بهرحال آن‌ها در روغ و زیون و شیداد و حقه بازی بیشتر نیستند. مردانگی ندارند و برای دو قطره خون خود بیش از هر چیز دیگر ارزش قائلند. یاباید روسی روم بود و یازنگی زنگ. رفتار این تارقیان زشت و مذموم و ناپسندیده است. کسی که راهی را بخواهد رفتی در پیش میگیرد، مادام که ناصحیح بودن و بیراهه بودن آن ثابت نشده باشد و آثار با تمام وجدان خود درک نکرده باشد نباید از آن دست بنبوید. ممکن است

بگویند این آقایان نیز بهمین نتیجه رسیده اند و بهمین دلیل راه خود را عوض کرده اند. ولی بنظر من راهی که بیست سال بدون اجبار و آزادی کامل و بطور اوطیلانه ادامه یافته است نمیتواند غلط باشد و راهی که در پشت میله‌های زندان و ازیم جان انتخاب شده است درست و بدون نقص! با توجه به مدت و شرایط این دوره پیاپی بجزرات میتوان ادعا کرد که چنین کسانی راه دوم یعنی راه بازگشت را نه بخاطر صریح و منطقی بودن آن بلکه برای ملا حظات شخصی و منافع خصوصی برگزیده اند، و این کار کار مرد نیست.

(خسرو روزبه)

خلق را متحد سازیم، قاطعانه علیه رژیم شاه مبارزه کنیم!

بی هراس از سختی‌ها و مرگ! برای بودن مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما توده‌ها را به هم می‌آورد و بی شک در این راه کوششها با نظرات و خطوط نادرست مختلفی روبرو خواهند شد. این مسئله نه در مورد جنبش کونیستی میهن‌ماستثنائی است و نه اصولاً تازگی دارد و در تمام کشورهای دیگر مشکلات و در مقاطع متفاوت تاریخی اتفاق افتاده و مبارزه بر سر این مسأله بکرات در جنبش کونیستی ایران نیز صورت گرفته است.

لنین در سال ۱۹۰۰ هنگامیکه وظیفه میرم سوسیال - دمکراسی پیوند کردن با جنبشهای توده‌ای بود، تجربه روسیه را در این مورد چنین جمع‌بندی می‌کند: "در روسیه این ضرورت که سوسیالیسم با جنبش کارگری باید ترکیب شود، از نظر تئوریک مدتهاست که اعلام شده است، اما پیرو پیاده کردن آن در عمل، فقط تازه شروع گردیده است و این پیرو است بسیار مشکل و در نتیجه تعجب آور نیست که با خود تزلزل و تردید همراه آورد." (لنین: "مهم‌ترین وظایف جنبش ما" نوامبر ۱۹۰۰).

در مقابل جنبش ما همین وظیفه با توجه به شرایط مشخص انقلاب ما و مقطع تاریخی کونی قرار دارد. یک ویژگی اساسی کونی جنبش کونیستی ما اینست که بطور عمده از روشنفکران تشکیل شده است. اگر به این ویژگی، ویژگی بودن در خارج کشور را برای بخشی از این جنبش اضافه کنیم آنگاه اشکالات عینی موجود روشن تر میشود. این یک واقعیتی است که بهیچوجه نمیتوان از آن سر باز زد و آثار آن را پنهان کرد. درست در برخورد به این واقعیت است که مواضع و روشی‌های سیاسی متفاوتی بقیه در صفحه دوم

خواست‌های مشخص توده‌ها، شعارهای مبارزاتی راستینی را برای گسترش جنبش پیش‌نهاد و این جنبشها را از نظر سیاسی و تشکیلاتی تکامل بخشند. در جریان پیشبرد این امر است که نیروهای مارکسیستی - لنینیستی میتوانند و یاباید با هم متحد شوند و حزب کونیست ایران را بوجود آورند. انجام این وظایف طی پیروسی‌های بسیار سخت و پرفراز و فرودانی ممکن خواهد بود. پروتاریا و دیگر نیروهای انقلابی سالهاست در میهن ما مبارزه کرده اند، اما با تمام قربانیها و ازجان‌گشتی‌ها خلق تا پیروزی انقلاب، راهی بس طولانی در پیش دارد. علاوه بر این بعقل شرایط عینی و اشتباهات کوناگون، جنبش کونیستی در گذشته نتوانسته عمیقاً با جنبش کارگری و دهقانی پیوند یابد و مارکسیسم - لنینیسم را به میان وسیعترین توده‌ها برود. رفوئیس و موزوئوئیسیم حزب توده بزرگترین سد در برابر انحام این وظیفه بوده و

خواست‌های مشخص توده‌ها، شعارهای مبارزاتی راستینی را برای گسترش جنبش پیش‌نهاد و این جنبشها را از نظر سیاسی و تشکیلاتی تکامل بخشند. در جریان پیشبرد این امر است که نیروهای مارکسیستی - لنینیستی میتوانند و یاباید با هم متحد شوند و حزب کونیست ایران را بوجود آورند.

مبارزات دانشجویان

بدنیال مبارزات وسیع دانشجویان دانشگاههای تهران و اهواز که در ریختن اخبار آن اشاره شده طبق آخرین خبر رسیده توسط یک مسافر - دانشجویان دانشگاه تبریز نیز مبارزه‌ی وسیعی علیه مخالفت با بالابردن شهریه‌ها و تاج‌وازیات پلیس بحرم دانشگاه شروع کرده و در جریان رشد آن قریاطیفه خیانت جدید شاه (خرید سه میلیارد دلار اسلحه) اعتراض نمودند. مارکسیستی از این گزارتر را برای خوانندگان نقل می‌کند: "روز ششم اسفند ماه مأمورین پلیس بد دانشگاه با ستاد ی میگویند که شما تمام استاد یارها باید بیرون بروید. ما می‌خواهیم با دانشجویان صحبت کنیم. استاد در جواب میگوید شما حق دستور آن یاران را دارید. در این موقع افسر فرمانده سیلی محکی بگوش استاد میزند و بالگرد استخوان پای او را میشکند و پلیس بد دانشجویان حمله میکند. با مشاهده این وضع استاد یاری با فریاد بلند دانشجویان را فداع دعوت میکند و دانشجویان با سنگهای که برای ساختن یک ساختمان بد دانشگاه آورده بودند بد فاع مییزد ازند. از طرف حق شناس (گویا افسر بوده) دستور داده میشود که دانشجویان را از تخته بیالایزند. در این حمله وحشیانه پلیس ۱۷ دانشجوی شهید میشوند. ۶۰۰ نفر زخمی و ۴۰۰ نفر دستگیر میشوند. دانشجویان زخمی در بیمارستان یهلیوی که از طرف پلیس در محاصره است بستری اند. یک روز تمام (ششم اسفند) تمام دانشگاه بخون فرزند آن خلق گلگون شده بود و روز هفتم و هشتم اسفند با زهم پلیس به کوی دانشگاه حمله میکند و دانشجویان را بیرون میبرد که در اثر ایستادگی دانشجویان پلیس سه نفر از فرزند آن خلقهای ایران را از طبقه سوم خوابگاه ازینجه به بیرون پرت میکند، که یکی در آن واحد میبورد و دیگری روی نرد هافاتاده و از ستون مهره هاشم میبندد که وضع او خیلی وخیم است. دیگری روی پاها افتاده و در پایش شکسته شده است. در ضمن پلیس در محله‌های تبریز تمام منزلهای دانشجویان را مورد حمله قرار میدهد و ده ای از آنها را با خود میبرد. در اعتراضهای دانشگاه و محله‌ی وحشیانه‌ی پلیس مردم تبریز برای اینکه نفرت خود را نشان بدهند، یکروز اعتصاب همگانی اعلام میکنند و تمام مغازه‌های تبریز بکوز بسته میشوند.

د دانشجویان زد و خورد، دانشجویان دوماشین پلیس را در محوطه‌ی دانشگاه آتش زدند و ده نفر پلیس کشته شده اند.

و انگلستان (تانکهای چقن) تصویب لایحه‌ی اجازه‌ی تحصیل چهل میلیارد ریال وام جهت "تقویت نیروهای دفاعی" از طرف مجلس شده ساخته و بالاخره افزایش بیش از ۵۰٪ به بودجه نظامی کشور برای سال مالی آینده، از جمله‌ی این اقدام است.

سیاست نظامی شاه پیوسته بنا بر ماهیت ضد خلقی و وابسته‌ی رژیم ایران در خدمت سرکوب خلق ما، حفظ منافع طبقات حاکمه و امپریالیسم جهانی بوده است. با توجه به این تاریخ گذشته‌ی سیاست تسلیحاتی رژیم است که باید اوضاع مشخص کونی را مورد بررسی قرار داد و علل افزایش سرسام آور بودجه‌ی ارتش را در سال جدید جستجو نمود.

خاورمیانه یک مرکز گری تضادها و محل درگیری شدیدی است.

برجم سازمان انقلابی - پرچم رزنده مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما توده‌ها را به هم می‌آورد و با توجه به شرایط جامعه ایران اساسیترین و مهمترین درخواستهای توده‌های وسیع کارگران، دهقانان، خرد و بورژوازی شهری و دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک را منعکس میسازد. سازمان انقلابی برای انجام انقلاب دمکراتیک ملی و سپس انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در ایران پس از انحام کامل مرحله اول مبارزه میکند. این انقلاب اول، اساساً بدست کارگران و دهقانان و با شرکت خود بورژوازی شهری و بورژوازی ملی تحت رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن صورت میگیرد. این انقلاب قدرت امپریالیسم، سوسیال - امپریالیسم، سرمایه داری بورژوازی و فئودالیسم را درهم می‌شکند، رژیم سلیطنتی کونی را سرنگون ساخته و بجای آن جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار میسازد. راه پیروزی این انقلاب همان راه "محاصره شهرها از طریق دهات" است.

برای حرکت سریع و همه جانبه بسوی پیروزیهای استراتژیک باید حزب کونیست این سکنه را کبیر انقلاب ایران را بوجو آورد. سازمان انقلابی عمیقاً اعتقاد دارد که امر ایجاد حزب کونیست، امریست کبیر که بطور اجتناب ناپذیر وظیفه مرکزی تمام جنبش نوین کونیستی ایران را در مرحله کونی انقلاب ایران تشکیل میدهد. در راه بسر انحام رساندن این وظیفه تشکلهای مارکسیستی - لنینیستی بایند مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما توده‌ها را به میان کارگران و دهقانان برند، با آنها پیوند کنند، سطح جنبشهای توده‌ای را بطور مشخص بشناسند و بر اساس

سیاست تسلیحاتی شاه و آبر قدرت

- بنا به نوشته‌ی کیهان هوایی (۱۳ اسفند ۵۱) رژیم شاه معادل دو میلیارد دلار اسلحه از امپریالیسم آمریکا خریداری می‌کند. - مطبوعات آمریکائی مقدار خرید را به بیش از دو میلیارد و نیم دلار (واشنگتن پست - ۲۵ فوریه ۷۳) و حتی به سه میلیارد دلار (نیویورک تایمز ۲۲ فوریه) بر آورد می‌کند. - مقامات پنتاگون اعلام می‌کنند که قرارداد جدید فوئر اسلحه به شاه، بزرگترین معامله‌ی اسلحه‌ای است که دولت آمریکا به یکبار با یک کشور خارجی انجام داده است.

- محمد رضا شاه با این معامله معادل ۱/۳ از کل کسری موازنه‌ی پرداختی‌های ارزی امپریالیسم آمریکا را در سال ۱۹۷۳ تأمین می‌کند. و بخشی از دستا جنگی آمریکا را که پس از پیروزی خلق ویتنام با خطر ورشکستگی روبرو بود موقتاً نجات می‌دهد. - در سالی که گذشت رژیم شاه در زمینه‌ی تقویت ارتش اقدامات مختلفی انجام داد. خرید ۶۰۰ میلیون دلار تسلیحات مختلف نظامی از آمریکا (هواپیما)

زنده باد جنبش زنان ایران

هشتم مارس روز بین‌المللی زنان را بزرگ داریم و بسا الهام از این روز، در راه تحقق خواسته‌های محقانه زنان زحمتکش ایران همدوش با آنان کام برداریم. طبقات استثمارگر قزندیهای متعددی سعی کردند تا سیادت مرد بر زن را "مقدس" جلوه دهند و آنگاه که مبارزه زنان برای تساوی و آزادی رشد کرد، از درخده و فریب وارد شدند. "حق انتخابات" و "آزادی انتخاب" پیشه را پیش کشیدند تا از رشد این مبارزه جلوگیرند. ایران نیز استثناً از این نبود. زنان زحمتکش ایران که با پوست و گوشت خود ستم و استثمار را لمس کردند از مدتها پیش به مبارزه برخاستند. رژیم دم از "حق انتخاب" برای زنان زد و آنطور نمایان کرد که تساوی زنان تحقق یافته است. این عوامفریبی است، چه در کسوری که زنان و مردان زحمتکش آن از کبیه حقوق اولیه اجتماعی محرومند و نمایندگان مجلس فرمایشی از قبل انتصاب می‌شوند، صحبت از "اعطای حق انتخابات" دروفی بیش نیست. زنان زحمتکش ایران به شدت استثمار شده و تحت ستم می‌باشند.

همگامی زنان مبارز و زحمتکش ایران با مردان در مبارزات سابقه‌ی طولانی دارد. زنان مبارز و زحمتکش ایرانی از بقیه در صفحه دوم

پیروزی مبارزات دانشجویان دانشگاههای ایران

بقیه خلق را متحد کنیم...

ارائه میشود. سازمان ما در برابر مشکلات زیاد موجود، موضع صحیح اتخاذ نموده و در عمل به جنگ با آنها رفته است...

"خلق ما را آزما بپز میکند. آیا رفقای ما شایستگی عضویت در حزب آینده کمونیست ایران را خواهند داشت یا نه..."

سازمان انقلابی از آنزمان تا بحال با توجه به امکاناتش در این سمت حرکت کرده و برای انجام وظایفش کوشش میکند...

اما اکثریت عظیم رفقای ما را کمونیستهای تشکیل میدهند که مصمانه تا آخر بخاطر امر پرولتاریا و توده های خلق مبارزه خواهند کرد...

در مقابل این مشی سیاسی راستین سازمان ما و مشی انحرافی که در گذشته در درون سازمان مورد انتقاد و طرد قرار گرفته اند...

یکی مشی اپورتونیستی راستی است که طراحان آن در مقابل مشکلات و سختیهای امر پیوند جنبش کمونیستی با جنبشهای کارگری و دهقانی زانو زده، مچاه طلبانه و بخاطر تحمیل خود به جنبش ریی احیای حزب توده بوده...

نظریه اپورتونیستی راست دیگری که در سازمان ما توسط ممت کوچکی از افراد مخرب بمیان کشیده شد...

دیگر عجز خوردن در برابر مشکلات و سختیهای امر پیوند جنبش کمونیستی با کارگری و دهقانی نشان میدهد...

اساس و هسته مرکزی این نظریه انحلال طلبانه رانفسی تشکیلات بطور کلی و نقی سازمان انقلابی بطور اخص تشکیل میدهد...

حزب توده به علت ماهیت رفرمیستی و اپورتونیسم حاکم بر آن نه تنها جنبشهای عظیم توده ای و مبارزات قهرمانانه ی توده ها را شکست کشانید و بدین ترتیب ضربه سختی به جنبش کمونیستی ایران وارد ساخت بلکه اکنون نیز با پیروی کامل از رویزیونیسم مدرن به ضد انقلاب پیوسته و مشی رویزیونیستی آن خطر عمده انحرافی را در اوضاع کنونی تشکیل میدهد...

مرز بندی دقیق کرد.

باید پرچم پرافتخار انقلاب قهرآمیز توده ای را بر افراشته نگه داشت و بخاطر برانداختن سلطه ی ارتجاع بسرگردگی شاه تدارک برای جنگ توده ای دید.

حزب کمونیست ایران باید در داخل ایران بر اساس تلفیق مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو توده دون باشراط مشخص جامعه، در جریان مبارزات توده ای و در ربهوند با کارگران و دهقانان بوجود آید.

ضرورت ایجاد وحدت در این راه بعنوان اولین گامها همکار و همسوئی، زمینه های عملی و برنامه ای در سطوح مختلفه - لزوم مبارزه آید ثولوزیک مثبت بخاطر رسیدن به وحدت نظر اصولی بر روی مسائل مورد اختلاف و تاروشن و بدینوسیله تحکیم زمینه وحدت مارکسیست - لنینیستها و در این رابطه پافشاری روی سبک صحیح مبارزه آید ثولوزیک و طرد شیوه های نادرست لجن برآکی و تهمت زنی.

تجارب غنی جنبش مارکسیست - لنینیستی درون کشور نیز تأیید کننده ی این سمتگیری و نقطه نظرها بوده و در عمل این روشی راست از طرف آن طرد شده است.

نمونه ای از این برخورد را در شماره ۶۶، بهمن ماه ۱۳۵۱ نشریه "توفان" مینیم. نویسنده مقاله "بروزیه شیوه ای و امروزیه شیوه دیگر" با استفاده از اسلحه کیف اتهام زنی به سازمان انقلابی، نه تنها گری از مشکلات قسراوان جنبش کمونیستی ایران باز نمیکند، نه تنها حتی گامی کوچک در جهت تربیت و آموزش توده ها بر نمیدارند، بلکه با عقب مانده ترین شیوه برجسب پلیس زنی به ارت رسیده از حزب توده که مورد نفرت شد توده ها و انقلابیون است ناتوانی خود را از یک مبارزه اصولی آید و ثولوزیک بطور بارزی نشان میدهد.

نمونه دیگر این سبک برخورد را در نشریه ای دیگر که چند عنصر مخرب میتوان دید. آنها در اثنای شدن و رنمای روشن در مبارزات اجتماع و ورزشکتگی و منزلت سیاسی - آید ثولوزیک، تنها امکان ادامه حیات سیاسی خود را در "مخالفت" با سازمان انقلابی میداند زیرا سازمان انقلابی بطور قاطع نظرات مخرب آنها را در میان توده ها افشا کرده است.

این شیوه نیز از طرف کلیه انقلابیون و توده های وسیع مطرود بوده و در عمل با شکست مقتضایه روبرو شده است.

برخورد مارکسیستی - لنینیستی و انقلابی به ید به تسلیم طلبی لاشائی چگونه باید باشد؟ این برخورد در درجه اول و بطور اساسی در کشیدن خط فاصل روشن و دقیق بین خلق و ضد خلق، انقلاب و ضد انقلاب تبلور مییابد.

بقیه سیاست تسلیحاتی... از نظر سیاسی رشد و گسترش جنبشهای آزاد بیخشن منطقه منافع آتی و آتی امپریالیسم جهانی را تهدید می کند و مقابله با این جنبشها در دستور کار و برنامه های مشترک امپریالیستها، سوسیال - امپریالیسم و حکومتها مرتجع محلی قرار دارد.

خلق بخاطر رشد جنبش و اصلاح کمبود های خلق، در مقابل ارتجاع از حقانیت امر مبارزه خلق قاطعانه دفاع میکنند و با ضد انقلاب مبارزه مرگ و زندگی را تانابود ی کامل آن ادامه میدهند.

خلقهای استمد یده ایران، کلیه سازمانهای سیاسی مارکسیستی - لنینیستی و مترقی و از جمله سازمان انقلابی برای سرنگونی رژیم شاه و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم مبارزه میکنند و باید از این مبارزه کاملاً پشتیبانی نمود.

سازمان ما با حرکت از این معیارهای مارکسیستی - لنینیستی است که به مسائل جنبش برخورد میکند و عیقا اعتقاد دارد که در مبارزه آید ثولوزیک درون جنبش کارگری و انقلابی ایران باید سبکی را انتخاب کرد که بتواند به امر آگاهی یافتن توده ها و تشخیص درست از تاد راست کمک نماید.

سازمان ما با ایامی راسخ به پرولتاریا و توده های خلق، با اعتقاد کامل به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو توده ون با تجربه اندوزی از براتیک خود، پیگیر و قاطع به راه خود ادامه میدهد.

لنین «چپ روی» بیماری کودکان در کمونیسم منتشر شد از ما بخواهید.

بقیه زنده باد جنبش زنان ایران آغاز جنبش مشروطیت در مبارزات آزادی خواهی خلق شرکت داشته اند.

مهمانان در راه جلب بیشتر زنان زحمتکش به مبارزه و متشکل ساختن این نیروی عظیم گام بردارند.

در تاریخ بشریت هیچ جنبش بزرگی از سمت یدگان بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبوده گامی به پیش بردارد.

روز بین المللی زنان سبلی از شکست ناپذیری و امید به آینده ی بزرگی که در برابر جنبش رهایی بخش طبقه کارگر قرار دارد، می باشد.

بقیه زنده باد روز بین المللی زنان! رعای از این بن بست موجود، سیاست "وینامی کردن" "آسیای کردن" یا "دگرگین نیکسون" را پیش کشید و در هر منطقه ی مهم یکی از مهره های وابسته را برای حفظ منافع امپریالیستی خود تقویت و تادند.

پیش در سمت پیوند با جنبشهای توده ای

بقیه در صفحه سوم

بقیه اخبار

سری توطئه های متوالی و خونین می باشد. بنا به اطلاعات واصله رژیم قصد دارد برنامه های دیگری از قبیل انفجار بمب در صفوف دانش آموزان دبیرستانی و کارگرانی که به اجبار باید در برنامه های تظاهرات ششم بهمن شرکت کنند، دست بزند تا بتواند از مواضع این عملیات بهره برداری ضد انقلابی بنماید. ما از پیش به مردم تهران هشدار می دهیم که در روزهای اول تا ششم بهمن حتی المقدور از خانه های خود خارج نشوند و بخصوص از خروج اطفال دبستانی و نوجوانان دبیرستانی از منزل به شدت جلوگیری کنند.

بامید شکست توطئه های شاه و وطن فروش با ایمان برهائی خلق ایران از جنگال بیگانه پرستان "چریکهای فدائی خلق"

* ه نفر از مستشاران آمریکائی که برای انجام مأموریت های خائنانه خود عازم خوزستان بودند در نیمه راه توسط گروهی از مبارزین انقلابی که در لباس بازرسان اداره ای ژاند امری درآمده بودند متوقف می شوند. اتومبیل آنها چند لحظه پس از بازرسی انقلابیون در اثر انفجار بمب متلاشی شده و هر پنج نفر کشته میشوند.

- اخیراً مأمورین رژیم گروه دیگری از مبارزین را دستگیر نمود. این گروه که در روستاهای اطراف طالقان دستگیر شدند مشکل از تعدادی از دهقانان و معلمین محل بودند.

- عده ای از مبارزین نیز اخیراً راه هجیان دستگیر شده اند - ۱۷ دختر لیسانسه به اتهام شرکت در تظاهرات چند ماه قبل حسینییه ارشاد در تهران دستگیر و زیر شکنجه بسر می برند. این شیر زنان مورد شکنجه های وحشیانه ای قرار گرفته اند که از آنجمله سوزاندن شمع روی سینه های عریان آنها است. این ۱۷ نفر از گروه معروف به شاه چرائی می باشند.

- عده ای از مهندسان و دب آهنگاران اصفهان را در تاریخ ۲ دیماه ۱۳۵۱ بازداشت و روانه زندان می کنند.

- یک گروه ۲۰ نفری از مبارزین در اهواز و بهبهان که نامه های آنها صادر شده و مشخصات آنها مشخص شده اند.

بجبه سیاست تسلیحاتی شاه و دو ابرقدرت

پایگاه نظامی در بحرین و از یاد تعداد مستشاران نظامی در ایران به منظور توسعه و تقویت چنین شبکه جاسوسی است.

"دگرگین نیکسون" در واقع متوجه تشدید استثمار خلقهای منطقه خلیج فارس - غارت بیشتر نفت - درهم شکستن جنبشهای منطقه - توسعه بازار برای مواد خنثی شده - و حفظ هژمونی امپریالیسم آمریکا در برابر سایر امپریالیستها و سوسیال - امپریالیسم شوروی است.

منتها این بار چنین سیاستی با شراکت و بدست رژیم خیانتکار شاه انجام می گیرد.

سوسیال - امپریالیسم شوروی : در نقشه استراتژی سوسیال - امپریالیسم شوروی برای تسلط بر آسیا، خاورمیانه از نظر اقتصادی و نظامی حلقه های مرگسوز را تشکیل می دهد. احتیاجات نفتی شوروی بر اثر رشد صنایع آن و بمنظور توسعه نفوذ در بازار جهانی، بطور روز افزونی زیاد میشود و طبقه حاکمه ای این کشور برای تسلط بر مناطق وسیعتر و غارت بیشتر منابع زیرزمینی سخت در تلاش است و با یک سیاست تهاجمی وارد میدان رقابت با امپریالیستها مختلف گشته است.

تحکیم نفوذ سوسیال - امپریالیسم شوروی در هند، کمک به مرتجعین آن در تجاوز آشکار به خاک پاکستان، علم کردن حکومت مجیب الرحمن با باسوء استفاده از نارضایتی موجود در توده های مردم بنگال،

و کوشش در توسعه نفوذ در کشورهای عربی، ایجاد پایگاههای نظامی دریائی در بنادر هندوستان اعزام ناوگان جنگی به اقیانوس هند و مناطق خلیج فارس از جمله تظاهرات سیاست تهاجمی سوسیال - امپریالیسم شوروی برای دست یابی به منابع اقتصادی منطقه خاور

میانه است. کوشش سوسیال امپریالیستهای شوروی برای نفوذ در جنبش های منطقه، سعی در وابسته کردن آنها بخود و نتیجه ایجاد انحراف در رده های این جنبشها که زیر نقاب "کم" انجام می گیرد، جنبه دیگر این سیاست است. سیاست سوسیال - امپریالیسم شوروی در مورد ایران نیز انعکاسی از این سیاست عمومی او است.

رقابت او با امپریالیسم آمریکا در تاراج منابع ملی میهن ما، تلاش برای تقویت جناح طرفدار خود در رده های زیر و کوری برای نفوذ و منحرف کردن جنبش مردم ایران از طریق مختلف و از جمله بوسیله رویزیونیستهای مرتد حزب توده

گروه های مختلف این سیاست را نشان میدهد. وظیفه

عده ای از مبارزین مترقی به منظور بزرگداشت شهدای مبارزین : محمد مفیدی و محمد باقر عباسی که اخیراً اقدام شدند تصمیم به برگزاری مجلس ترحیم در مسجد فاطمیه قم می گیرند. مأمورین سازمان امنیت به وحشت افتاده و در مسجد را می بندند. روحانیون مترقی بلافاصله محل مجلس ترحیم را به مدرسه فیضیه تغییر می دهند. مأمورین سازمان امنیت عده ای از روحانیون مترقی را بازداشت می کنند.

* گوشه ای از مبارزه و مقاومت مردم ما علیه مضحکی دهه های سال "انقلاب سفید" :

اقتدار و طبقات مختلف خلق ما در جریان عوامفریبی اخیر رژیم نیز به اشکال و در سطوح مختلف، تنفر عمیق خود را از رژیم ضد خلق شاه ابراز نموده اند. اخبار رسیده در ایفومور را، در زیر ریح میکیم :

- چند روز قبل از برگزاری مضحکی دهه ای "انقلاب سفید" دانشجویان مبارز دانشگاه تهران دست به اعتراض و تظاهرات زدند. رژیم با آنکه سعی داشت در ایام " جشن " از دانشگاه تهران بعنوان یک مرکز تبلیغاتی استفاده کند، در مقابل موج وسیع تظاهرات دانشجویان مجبور به بستن دانشگاه می شود.

- بدنبال تظاهرات دانشجویان مبارز دانشگاه اهواز علیه دهه ای "انقلاب سفید" عده ای از دانشجویان دستگیر و دانشگاه اهواز بسته می شود.

- در یکی از دهات خراسان، مأمورین دولت هنگام جمع آوری بول برای مضحکی دهه ای "انقلاب سفید" با مقاومت شدید دهقانان روبرو می شوند. در این جریان عده ای زخمی و دستگیر شده اند.

- مردم قم بسیاری از پرچمهای نصب شده به منظور برگزاری " جشن " و هم چنین آذین بندی مقابله اداری آمار را آتش زده اند.

- روز برگزاری مضحکی دهه ای "انقلاب سفید" عده ای از دانشجویان پلی تکنیک هنگام رژه از مقابل جایگاه مخصوص بجای خواندن سرود به هو کردن می پردازند.

باورین بدست ویا افتاد و آنها را بازداشت میکنند.

کلیه نیروهای ملی و ضد امپریالیستی ایران است که هشیارانه بقابله با این سیاست نو استعماری شوروی پرداخته و آنرا فاطحانه افشا و طرد نمایند.

علاوه بر دو ابرقدرت، مرتجعین محلی و امپریالیستهای دیگر بویژه امپریالیسم انگلستان که بر بخش مهمی از صنایع نفتی خاورمیانه تسلط دارد، دشمنان کثونی خلقهای منطقه رانشک می دهند. نشانه بارز این دشمنی را می توان در شرکت مستقیم امپریالیسم انگلیس در سرکوب جنبش رهنائی بخش خلق طفقار دید.

سیاست تسلیحاتی رژیم شاه :

ملغین رژیم می کوشند واقعتاً را دگرگون جلوه دهند و اقدامات یکسال اخیر حکومت وابسته شاه را در زمینه خرید میلیارد ها دلار اسلحه، افزایش سرسام آور بودجه نظامی، توسعه تاسیسات نظامی بنادر جنوب، ایجاد پایگاه در جزائر خارک و ابوموسی، گرفتن حق امتیاز لنگر انداختن کشتی های ایران در جزیره مورین (اقیانوس هند) و بالاخره تقویت نیروی دریائی و هوائی ایران را عری در خدمت دفاع از مرزهای ایران و " صلح و آرامش " منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند وانمود کنند.

اما واقعتاً این است که سیاست تسلیحاتی شاه در چارچوب عمومی استراتژی امپریالیسم آمریکا رقابت و تبانی دو ابرقدرت را هم قرار دارد. و تا آنجا که مربوط به سرکوب جنبشهای رهنائی بخش خلق های ایران و منطقه می شود ویی شک این جنبه عمده را تشکیل می دهد، مورد پشتیبانی سوسیال - امپریالیسم شوروی نیز می باشد.

امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی دشمنان خلقهای ایران و خلقهای خاور میانه هستند - رژیم شاه در حقیقت مورد پشتیبانی این یا آن قرار دارد.

آنچه رژیم شاه از آن هراس دارد این امپریالیستها نیستند بلکه خلقهای ایران و جنبشهای انقلابی منطقه اند.

خلقهای میهن ما بخاطر هراس از سازمان سرزمین خود و منابع ملی بارها آمادگی و قهرمانی خود را نشان داده اند، آنکس که راه تسلیم طلبانه و نوکرمندی را در پیتر گرفته، طبقات حاکم به سرکردگی شاهان خود فروخته، از جمله پهلوی ها بوده است.

تأمین صلح و استقلال واقعی در منطقه هنگامی صورت می گیرد که پروتاریا و دیگر زحمتکشان مسلح شوند و سلطه طبقات استثمارگر را درهم شکنند و منطقه را از تسلط و نفوذ امپریالیستها و سوسیال - امپریالیستهای پاک کنند.

ستاره سرخ و خوانندگان

چندی است خواننده ای با شور و شوق فراوان برای ستاره سرخ اشعار خود را می فرستد. اشعار او حاکی از روحیه رزمنده و نفرت عمیق او نسبت به طبقات ستمگر به سرکردگی محمد رضا پهلوی است.

مردم ما شعر را دوست دارند و با زبان شعر آشنا می باشند. بدین دلیل بخوبی می توان آن را به وسیله خدمت انقلاب در آورد و به آگاه و متشکل ساختن توده ها کمک نمود.

شعر در خدمت انقلاب، در جریان مبارزات انقلابی، در پیوند با جنبشهای توده ای رشد می کند، محتوی و شکل آن به خدمت هر چه بیشتر فشرده ترین و پیشرفته ترین خواسته های توده های وسیع خلق درمی آید.

سرایندهای چنین اشعاری خود، در توان جنبشهای توده ای بار آمده، مزه سختی و مشکلات را می چشند و بقول هوشی مین " در کارگاه بدبختی ها و مشکلات صیقل می یابند."

شعر شاعران زمان ما باید دارای پرچم روشن خدمت به مبرم ترین و ضروری ترین وظائف جنبش انقلابی پرو - لتاریا و توده های خلق باشد، یعنی از امر ایجاد حزب کمونیست، از امر تشکل توده ها، از امر وحدت مبارزه جویانه توده های خلق در نبرد برای سرنگونی سلطه طبقات ارجحانی حاکم عمیقاً متأثر گردد.

شعر در زمان ما نمی تواند دارای چنان محتوایی باشد که " همه " آن را بپسندند، جایزه سلطنتی بگیرد. اگر چنین باشد نشانه ای است از دوری شعر ما از توده ها، نشانه ای است از اینکه حاکمان با شاه طیفاتی شان شعر ما را " اهلی " و بی آزار تشخیص داده اند، نشانه ای است از اینکه " آهن و پولاد " نیست و نمی تواند سلاحی برنده در دست توده ها باشد.

طبقات حاکم قرنهای بسیاری از شاعران را درباری کردند و شعرشان را در خدمت خود در آوردند. در آن روزها اخیر شاعرانی برخاستند که می خواستند از حاکمان بپروند و سمت زحمتکشان را در پیش گیرند اما از آنجا که نتوانستند در خود تغییری بزرگ بوجود آورند، یا در حاشیه ماندند و یا به لایه های خدب شدند.

تغییر بزرگ را تنها در مبارزات توده ای بزرگ می توان بوجود آورد. این امری است سخت و مشکلی و بهمین علت موفقیت در آن طولانی گردیده و هزارگانهای بعضی ها در صحنه شک و تردید می کنند و در نیمه راه باز می ایستند.

ما در زیر آخرین شعری را که دوستان با الهام از نامه سیروس نپاوندی سروده است می آوریم. دارای محتوی غنی سبک نپراسمیت از سختی ها و مرگ است. دست او را از دور صمیمانه می فشاریم.

" در این یازده ماهی که در زندان بودم، آشنائی ها بسیار ما، با رفتن رفقا پای جویه ی تیرباران خانمسه پیدا می کرد، اما پیوند ما با مرگ آنها، بازم عمیق تر می شد."

گفتم سلام رفیق همروزم دشمن ترا به من آشنا گرداند گفت بد رو رفیق راه من فردا سپیده دم پیش از آنکه شعله خورشید بر سیاهی شب بتازاند دشمن به آتش کین گلوله ی شربین مرا و تو را ز هم جدا سازد.

گفتم به خون تو سوگند ای رفیق هم پیمان که راه تو پیوم، به راه خلق روم همچو تو سپارم جان و فردا چون سپیده دمید روی قلب زمین قلب پر آتش برادرم فروزان بود.

* دوستانی در رابطه با تقاضای " ستاره سرخ " در کمک به تکمیل جزوه " واقعیات روستا " ما را راهنمایی کرده و تعدادی عکس فرستاده اند. این برخورد تشویق آمیزی شک ما را در امر انتشار این جزوه یاری می دهد. دستپاچان را صمیمانه از دور می فشاریم و امید همکاری آنها را در زمینه های دیگر داریم.

* در چند شماره اخیر ستاره سرخ موضوعی که

بنظر من بسیار جالب و مثبت آمد انتخاب نقل قول های مناسب از رفیق مائوتسه دون در رابطه با خطی که آن شماره ستاره سرخ می خواسته در طول مقالات خود پیاده کند، می باشد. زیرا علاوه بر اینکه ما را با آموزش های رفیق مائوتسه دون در باره موضوع های مختلف آشنا می کند، خود کمی است به خواننده برای درک بیشتر هسته مرکزی هر شماره.

شماره ۲۳ در طول مقالات و نقل قول رفیق مائوتسه دون توانسته نقش خود را خوب ایفا نماید: از یکطرف نشان دادن زندگی زحمتکشان از طریق مقالات " مشا - هد اتی در یک موسسه " و " واقعیت روستای ایران " و از طرف دیگر اینکه وضع نیروهای انقلابی روز بروز بهتر می شود و با پیگیری و ادامه کاری مبارزین می توانستند اوضاع نا مساعد به اوضاع مساعد بدل گردد. از طریق آوردن مقالاتی نظیر " پیگیری در مبارزه و کسب پیروزی " و " پیروز باد مبارزه خلقهای فیلیپین " و " مبارزات خلق ویتنام شکست ناپذیر است."

* خواننده ای در برخورد به مقاله " پیروز باد راه پر آمیز توده ای " ستاره سرخ ۲۱ می نویسد:

در اول پاراگراف چهارم صفحه دوم چنین می خوانیسم " مبارزات مسلحانه اخیر... باعث تحریک در جنبش شده " ستاره سرخ می بایست دقیقاً معین می نمود که مقصود از تحریک چیست؟ اگر منظور این است که باعث بیداری طبقه کارگر و دهقانان و سایر زحمتکشان ایرانی شده پس این موضعگیری متضاد با مواضع اخیر مقاله است... اگر... به مفهوم قیام زحمتکشان پس راه و شیوه این مبارزات اخیر را باید کاملاً درست و علمی ارزیابی نمود... مبارزه اخیر روشنفکران باعث تحریک در بخش کوچکی از روشنفکران ایران شده... و آن را نمی توان یک تحریک مثبت از نظرگاه مارکسیستی - لنینیستی سازمان انقلابی دانست. رسالت مرحله ای روشنفکران در جامعه ما پیوند و درهم آمیزی آنها با توده های کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و بردن ایده های نوین در بین آنهاست. مبارزه مسلحانه اخیر به این رسالت تاریخی خدشه وارد کرده، توده ها را از روشنفکران جدا می سازد. نکات مثبت مبارزات اخیر عبارتند از: ۱- نشان داد که تضاد بین خلق و رژیم حاد شده است و رشد می نماید. ۲- نشان داد که باید با رژیم آشتی ناپذیر بود... ۳- باعث تلاشی و خرید شدن انتمفر و ادراکی شد... ۴- رشد روحیه تمام و کمال در خدمت مردم بودن را تبلیغ کرد. البته نا گفته نماند که تاثیر این دستاوردها در اقتدار مختلف مردم متفاوت بوده و بطور عمده روشنفکران از آن متأثر شده اند.

ستاره سرخ: تحریک را باید در مقطع تاریخی و شرایط مشخص کمونی انقلاب ایران دید و بنظر ما همان نکته ای را که بعنوان نکات مثبت آورده ای بخوبی می توانستد اساس این تحریک را تشکیل دهد. واقعیات زنده سال های اخیر حاکی از وجود چنین تحریکی است. اینکه تاثیر گذاری این مبارزات محدود بوده است و بقبول خودت " بطور عمده " در میان روشنفکران، نمی تواند به نقی وجودش منجر گردد. علاوه بر این اشتباهات نظری و عملی آنها در امر بسیج توده ها و روشی مبارزه مسلحانه نمی تواند این واقعیت را که آنها دست به مبارزه ای رو در رو و حاد با رژیم زدند نقی کند؛ که این خود تا حدودی باعث تحریک گردید. در اینکه خود این قیام ها و مبارزات متأثر از وضع مبارزات طبقاتی و تضادهای ناشی از آن است، شکی نیست، اما خود آنها هم در مرحله ای نقش تاثیر گذارند. را بعقبه گرفتند، حال هر چقدر هم محدود، از تجارب مثبت وصفی میتوان آموخت، آنچه اساس است جمع بندی کردن از تجارب است. طبقات انقلابی از طریق تجربه اندوزی خود است که در رجا خود را متشکل ساخته و مشی سیاسی صحیحی را بدست می آورند. مبارزات اخیر مسلحانه روشنفکران انقلابی در میهن مایی شک سهمی در این تجربه اندوزی بعقبه دارد. مامطمنین مبارزین مسلح قادرند کار خود را خوب جمع بندی نموده و مبارزه را بر اساس نوینی متحد تر، متشکل تر و همسو تر بویژه در پیوند فشرده با توده های کارگر و دهقان به جلو برند. در این مورد هیچگونه تردیدی نیست و هم اکنون نشانه های از این موفقیت نمایان است!

نشانی توده و ستاره سرخ

Mme PAOLA DI CORI
C.P. 493 S.SILVESTRO
ROMA ITALY

خلقهای ایران علیه امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی مبارزه کنید!

☆ اخبار ☆

رژیم با استفاده از کلیه وسائل ممکن و توطئه های متفاوت سعی در بند بین نمودن افکار عمومی مردم نسبت به مبارزین دارد .

بکار برد الفاظی چون "خرابکاران" ، "وابستگان به کشورهای خارجی" و "خائنین به وطن" از جمله اتهامات ناروایی است که رژیم به منظور درگون جلوه دادن اهداف مبارزات گروهها و سازمانهای مختلف خلق تبلیغ کرده و به مبارزین نسبت می دهد .

از جمله اقداماتی که رژیم از مدت قبل دست به آن زده انفجار بمب در اماکن عمومی و محل های تجمع مردم است او با این اقدامات و نسبت آن به مبارزین سعی دارد از یکسو افکار عمومی مردم را به آنان بد بین کرده و از سوی دیگر زمینه را برای جنایات بعدی خود فراهم سازد . در این مورد رژیم دارای سابقه تاریخی است . خرابکاری های اوپاشان مزدور رژیم در جریان قیام توده ای پانزده خرداد ۱۳۴۲ (آتش زدن کتابخانه ها ، تخریب تلفنهای عمومی و یاشیدن اسید روی زنان بی حجاب) نمونه ای است در این مورد .

وظیفه کلیه مبارزین است که در افشای این دسیسه رژیم بکوشند و با کار توضیحی در میان مردم اقدامات خرابکارانه و ضد مردمی ماموران شاه را افشا نمایند .

اخیرا دو اعلامیه از "جریکهای فدائی خلق" و دو اعلامیه از "مجاهدین خلق ایران" بدست ما رسیده که برده از این عملیات تبهکارانه سازمان امنیت بر می دارد .

در اعلامیه ای از "مجاهدین خلق ایران" می خوانیم : "طبق سند بدست آمده آذمکن شاه قصد دارند که با انفجار بمب در صفوف دانش آموزان و زحمتکشان ، انقلابیون را مورد تهمت قرار دهند . ما با افشای این توطئه های خائنانه و خونین به همه هشدار می دهیم که شاه این بار قربانیانش را از میان دانش آموزان بسی گاه انتخاب کرده است ."

در زیر متن کامل یکی از اعلامیه های "جریکهای فدائی خلق" را در این مورد می آوریم .

"همانطور که تمام هم میهنان اطلاع دارند ، دستگاه دولت به اجرای برنامه وسیعی به منظور ایجاد یاس و بدبینی در مردم نسبت به مبارزین انقلابی دست زده است . مجریان این برنامه عبارتند از کارگزاران رادیو و تلویزیون و گردانندگان مجلات و روزنامه ها که همگی در ما بین ۱۰ تا ۱۰ هزار تومان از طرف سازمان امنیت تحت عنوان حق القلم ، اضافه مواجب دریافت می دارند طبق بخشنامه دولت این مجریان برنامه های تبلیغاتی موظفند برنامه های دیگری را که در کارخانجات ، ادارات و مدارس با زور و تهدید اجرا می شود به نحوی موثر یا بوق و کرنا منعکس نمایند .

از طرف دیگر سازمان امنیت دست به ابتکارات دیگری نیز زده است . از جمله اینکه در تاریخ ۸/۹/۵۱ شمسی در کارخانجات موتاتر اتومبیل ایران ناسیونال که متعلق به شاه و دربار است ترتیب دادند . یکی از سرپرستان منصوب شده از طرف دستگاه ، کارگری که از سازمان امنیت نیز حقوقی گرفت قبل از تعطیل کارخانه در زیر یکی از اتوبوسهای سرویس کارگران یک بمب ساعت شمار قرار می دهد . پس از پایان ساعت کار و هنگام سوار شدن کارگران به اتوبوسها همین فرد ظاهرا متوجه وجود بمب شده و به سرعت با داد و فریاد دیگران را از اطراف اتوبوس پراکنده می کند . سپس مامورین پلیس که از قبل طبق برنامه آه ده شده بودند به کارخانه آمده بنه اصطلاح بمب ساعتی را خشن می کنند . سپس افسراد تربیت شده سازمان امنیت که به صورت عضو روابط عمومی و یا سرپرست کارگران مشغول خدمت هستند ، کارگران را جمع کرده و بر طبق رونوشت سخنرانیهای از پیش تعیین شده به کارگران اطلاع می دهند که این بمب را خرابکاران (طبق یک بخشنامه دولت در تابستان ۵۰ خرابکاری انقلابی باید تحت عنوان خرابکار نامیده شوند کار گاه داشته بودند و هدف آنها کشتار کارگران بیگناه است . با اجرای این خیمه شب بازی آنها کوشیده اند به کارگران القا نمایند که انقلابیون که همه چیز خود را فدای کارگران و خلق خود کرده اند ، افرادی ، جنایت پیشه و ضد کارگر هستند . البته این نمایش با موفقیت مواجه نشد و کارگران آگاه این دلقک بازی را به مسخره گرفتند . ولی بهر حال این توطئه نشانهای یک

بقیه در صفحه سوم

ثمره ی «انقلاب سفید» : فقر و استثمار روز افزون خلق

داده اند و همین کارگر برای دو روز حقوق ایام بیکاری بایستی سه روز دیگر دوندگی نماید . نقل قول بالا بعنوان نمونه ای کوچک ، مشخص کننده سه نکته است : ۱-حاکمی از وضع ناگوار اقتصادی و فقر شدید کارگران است که برای معالجه بیماری مجبور به فروش لوازم منزل خود می شوند . ۲- نمونه ای از عوام فریبهای رژیم در مورد بینه کارگران و بهبود وضع بندگان است . ۳- بیانی از چابیدن در آمد کارگران می باشد زیرا با کسر نمودن مقدار از دستمزدها ناچیز کارگران تحت عنوان بینه که امکان استفاده از "مزایای" آن بصورت مختلف بسته شده ، کتکی به بیشتر بردن جیب بخشی از طبقات حاکم می شود و فروش لوازم منزل و بیای دریافت وام با بهره گزاف ، از بانکها و رباخواران و مراجعه به درمانگاههای خصوصی ، بخش دیگری از طبقات حاکم را فریب می کند .

سیاست فرهنگی رژیم نیز در دهسال گذشته در جهت خدمت به طبقات حاکم و محروم نگیدن میلیونها توده مردم از هرگونه امکانات اولیه بوده است . در اینجا هم زحمتکشان از مدرسه و وسائل تحصیل محروم بوده و مشتی مفتخور و استثمارگر از کلیه امکانات برخوردار بوده اند . در این مورد تهران اکونومیست شماره ۲۲۷ سال ۱۳۴۶ می نویسد : "در قسمتهای یابینی شهر مشهد و خیابان ششم بهمن و بولوار که در حدود چهل هزار کارگر ساکن می باشند ، دبستان بسیار کم و از دبیرستان خبری نیست و این مردم بی بضاعت علاوه بر هزینه تحصیلی همه روزه مبلغی بهر بدبختی شده بایستی برای گزایه ایاب و دهب در اختیار اطفال خود بگازند ."

در ضلع شمالی کاخ نیاوران یک ساختمان سفید دو طبقه ای است که از چند سال مغربه تحصیل "ولسعهد" اختصاص داده شده است . خواندنیها شماره ۴ سال ۱۳۴۸ در باره این مدرسه می نویسد : "اولین روز درس در دبستان رضا پهلوی - خانم مدیر (هما خسرو شاهی) برای استقبال از بچه ها ، بالای پله ایستاده بود و هر شاگردی که می دید ، او را می بوسید و خوش آمد می گفت . . . این تنها مدرسه ای است که در ایران در آن اسم نویسی نمی کند و از کمی شهریه نمی گیرند ."

مقایسه بالا نمونه کوچکی است در نشان دادن امکانات تحصیلی فرزند ان زحمتکشان ایران و "نور چشمی های" طبقات حاکم .

بعلیرغم انتظار رژیم برنامه های دهسال گذشته نتوانست زحمتکشان ما را بر فربید و برخلاف ادعاهای او بهبودی در وضع اسفناک زحمتکشان در ایران بوجود نیآورد . در آن امر که موفق گشت همانا چابیدن بیشتر ثروت مردم و استثمار بیشتر زحمتکشان بود .

نتایج خانمان برانداز این برنامه ها نه تنها در وضع زندگی کارگران و دهقانان ، بلکه در تشدید فشار بر دیگر اقشار و طبقات خلقی (خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی) نیز کاملا مشهود است . توسعه فقر در میان بخشهای مختلف خرده بورژوازی شهری ، فشار روز افزون رشد سریع هزینه ی زندگی و ورشکست شدن بیش از پیش تجار و صاحبان صنایع و کارگاههای کوچک و متوسط تولیدی از نتایج شوم چنین برنامه هائی است .

در چنین شرائطی مردم میهن ما هر روز بر دامنه ی مبارزه و مقاومت خود توسعه می بخشند :

افزایش اعتصابات متعدد کارگری ، مقاومت دهقانان در مقابل فشار و اجحافات دولت و مالکین و اشکال متعدد مبارزات روشنفکران ایران در دهسال گذشته نموداری از تحرك انقلابی اقشار و طبقات مختلف خلق در ایشر تندید تضادها و حاکمی از روحیه مبارزه جوانانه آنها می باشد . با تمام کوششهای رژیم در سرکوب مخالفین خود ، آگاهی مبارزاتی کارگران به منظور تشکک رشد یافته و مقاومت دهقانان توسعه پیدا می کند . فعالیت سازمانها و گروههای مارکسیست - لنینیستی فزونی یافته و با توجه خاص به پیوند عمیق با کارگران و دهقانان و در سمت انجام وظیفه مرکزی یعنی ایجاد حزب کمونیست برای سازماندهی مبارزه مسلحانه روستایی و تضمین پیروزی انقلاب حرکت می کنند . آینده تابناک و پیروزی زحمتکشان امری حتی است .

سائل کافی زندگی در روستاها موجب مهاجرت روستائیان به شهرها شد (کیهان هوایی ۱۷ مرداد ۱۳۵۱) . عدم موفقیت رژیم در رسته کشاورزی نتیجه شوم دیگری از "انقلاب سفید" است که تاثیر خود را در درجه اول بر زندگی رقت بار دهقانان ایران می گذارد . تهران اکونومیست در ۹ دیماه ۱۳۵۱ در مورد تولیدات کشاورزی در دهسال گذشته می نویسد : " . . . بر اثر عوامل مختلف منجمله انتقال سیستم کهنه به سیستم جدید خشکسالی و عوامل جوی و غیر مترقبه به اندازه سایر رسته ها پیشرفت . " هویدا هنگام قرائت لایحه برنامه پنجم در مجلس از عدم موفقیت برنامه های کشاورزی در بر نامه چهارم صحبت می کند . مسخره آمیز تر از تبلیغات گوناگون رژیم ، توجیهای مختلف او در مورد عدم موفقیت برنامه های کشاورزی است .

اولا بر خلاف توجیهای بلندگویان رژیم ، تغییر سیستم نه تنها سد پیشرفت نیست بلکه اگر چنین تغییری می بود میبایست تولیدات کشاورزی افزایش یابد . ثانیا عوامل نامساعد جوی و خشکسالی بدیده ی نو دوران دهسال "انقلاب سفید" و خاص ایران نیست . آنچه اهمیت دارد برنامه ریزی صحیح برای مقابله با این عوامل است که با سیستم عقب مانده حاکم بر روستاهای ایران ، امروز نیز مانند گذشته امکان مقابله با آن نیست . باخطر نشان دادن بی پایه بودن توجیهای رژیم مقایسه ای می آوریم .

در جمهوری توده ای آلبانی بعد از برقراری سیستم سوسیالیستی با وجود مشکلات فراوان بعد از جنگ آزادی بخش رگبیه رسته ها پیشرفت قابل توجهی به چشم می خورد . مکانیزه کردن کشاورزی در آلبانی نسبت به سال آزادی کشور ۳۵۰ برابر رشد کرده است . مشکل بیکاری در این کشور به چشم نمی خورد .

در منطقه "دادشای" جمهوری توده ای چین در سال ۱۹۷۲ شدت بارندگی بقدری کم بود که در چند سال گذشته سابقه نداشته است ولی در اثر برنامه ریزی صحیح اقتصاد سوسیالیستی در سراسر کشور و توجه به زندگی دهقانان ، آنان به پشتکار خود افزوده ، بطوری که مجموعه تولیدات کشاورزی این منطقه نسبت به سال ۱۹۷۱ مقدار ۱۰٪ افزایش داشته است .

بدی وضع بهداشت یکی دیگر از مشکلات مهمی است که زحمتکشان ایران با آن دست به گریباندند . سعی دولت در "بهبود وضع بهداشت" در دهسال گذشته بیشتر طبقاتی کردن آن بوده است . بگازید با مقایسه ای این را نشان دهیم .

"نظم بهداشت رایگان یا ارزان یک نیاز قابل انصاف نیست . در شهر و روستا ، در شمال و جنوب ، شرق و غرب مساله درمان ، مخارج بیمارستان و دارو در سر لوجه مشکلات توده مردم قرار دارد . " (از بیک خجسته شماره ۱۰۲۱ نقل در تهران اکونومیست ۲۳ دی ۱۳۵۱) این نمونه ای کوچک از مشکل بهداشتی زحمتکشان و اقشار متوسط در ایران است .

"از خبرهای شنیدنی اخیر انتقال کامل یک اطاق عمل با کلیه تیم جراحی و متخصصان و دستگاههای مربوطه از پاریس به تهران می باشد که به درخواست یکی از رجال بسیار سالخورده و ثروتمند صورت گرفته است . شخص مزبور . . . اخیرا دچار شکستگی بسیار سخت استخوان های پا شده است و چون . . . از نظر مالی هر کاری امکان پذیر بود ، لذا بجای آنکه مریض به پاریس برود اطاق عمل از پاریس به تهران آمد . " (از جوان مردان نقل در خواندنیها ۲۶ دیماه ۱۳۵۱) .

و این نیز نمونه کوچکی از راه بهداشتی ثروتمندان و استثمارگران در ایران است .

هیاهوی تبلیغاتی رژیم در مورد "بینه" کارگران نیز قدمی دیگر در راه فریب تر کردن استثمارگران و چابیدن بیشتر کارگران بوده و مشنگی بر مشکلات سابق آنان افزوده است . تهران اکونومیست شماره ۸ خرداد ۱۳۵۰ می نویسد : " اکثر کارگران و خانواده آنها تحمل درد بیماری یا فروش اثاثیه منزل خود و مراجعه به درمانگاه های اختصا ص را بر مراجعه به درمانگاههای سازمان بینه های اجتماعی ترجیح می دهند . زیرا دیده شده که پس از یکی دو روز معطلی به بیماری که مبتلا به دل درد و یا رماتیسم و سرماخوردگی بوده از یک نوع شربت و قرص

رژیم شاه با بوق و کرنا دهمی "انقلاب سفید" را جشن گرفت و برنامه پنجم را ارائه داد . کارنامه "انقلاب سفید" او در حقیقت از یکسو سرکوب خلق و از سوی دیگر عوام فریبی و "اصلاحات" بوده است و با بیکار برد هر دو سعی کرد از رشد مبارزات توده های مردم جلو گیرد .

برخوردی اجمالی به این دوره در این شماره مقدمه ای است مختصر بر سلسله مقالاتی که ما در برخورد به برنامه پنجم در شماره های آینده خواهیم آورد :

این دهسال "انقلاب سفید" که رژیم سرمایه گزاریهای کلان آن را در بخشهای مختلف اقتصادی به رخ می کشد نه تنها گامی در راه بهبود وضع اسفناک زحمتکشان نبوده بلکه باعث فقر شدید تر و استثمار بیشتر آنان نیز شده است . گوشه هائی از این واقعیت را ما در زیر بسا

استفاده از جراید رسمی جانبدار رژیم نشان می دهیم : رژیم ادعا می کند که در آمد سرانه مردم ۵۰۰ دلار را اصلاح پشت سرگازده است ولی اگر توجه کنیم که حداقل دستمزدها کارگران در سال ۴۸ در سه بخش مختلف سه ۶۰ - ۵۵ - ۵۰ ریال در روز تعیین شده است که افزایش آن بطور متوسط در سال ۱۳۵۰ ، ۱۰۰ ریال است ، با رشد سریع هزینه های زندگی این مبلغ ناچیز نمی توانسته بهبودی در وضع کارگران باشد . حال اگر بزرگترین رقم حداقل دستمزدها در سال ۱۳۵۰ در نظر بگیریم یعنی روزانه ۷۰ ریال و اگر کارگران از بالای بیکاری در امان مانده باشند و ۱۲ ماه در سال کار کنند در آمد یک خانواده ای کارگری (بطور متوسط ه فقر) کمی بالاتر از ۳۰۰ دلار می شود و در آمد سرانه در نتیجه به رقم ناچیز ۷۰ - ۶۰ دلار در سال می رسد که در واقع دستمزدها اکثریت کارگران را تشکیل می دهد . تهران اکونومیست در ۸ خرداد ۱۳۵۰ در ایسن مورد می نویسد :

"علا مشهود گردیده با این افزایش بسیار مختصر ، تفاوت بهائی که یک نفر کارگر روزانه فقط بابت تفاوت افزایش بهای خواروبار و برخی لوازم ضروری زندگی می برد از به اادل ۲۰ ریال بالغ گردیده است ."

از دیگر تبلیغات عوام فریبانه رژیم در مورد بهبود وضع زندگی کارگران ، سرود ای "سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات" و یا "مشارکت کارگران در سهام کارخانجات" است . هدفهای اساسی رژیم عبارتند از :

۱- استفاده از دستمزدها ناچیز کارگران تحت عنوان خرید سهم ، در خدمت تقویت بیشتر قدرت سرمایه گزاری طبقه حاکم . ۲- وابسته کردن کارگران به بانکها از طریق وام برای خرید سهم . ۳- به اصطلاح نینف نمودن کارگران در سود کارخانه ها به منظور جلوگیری از مبارزات کارگری و "آشتی" کار و سرمایه .

در این مورد در تهران اکونومیست می خوانیم : "واقع امر این است که در گذشته منافسان سهام داران نیبا کارخانه دارانی بوده اند که نسبت به انتشار ترازنامه واقعی خود نه تنها کوتاهی نموده اند بلکه از هرقادامی به منظور مکتوم ماندن آن فرو گزارد نکردند . شکی نیست اکنون که کارگران در سود کارخانجات سهیم شده اند این اقدامات نه تنها تقلیلی پیدا نموده بلکه توسعه یافته است . " (تکیه از ما است)

رژیم بی شرمانه در مورد "کارگرخواهی" خود جاروچنگی راه می اندازد ولی در عمل با دوز و کلک نه تنها سودی و به آنها نمی دهد ، بلکه تقاضای عادلانه ی کارگران کارخانه جهان جیت را در مورد افزایش دستمزدها از ۵۰ ریال به ۱۰۰ ریال با گلوله پاسخ داده ، کارگران ذوب آهن را به زندان می کشاند و یا اخراج می کند و . . . چنین است کارنامه ی سیاه رژیم در باره بهبود وضع کارگران . ادعای دیگر رژیم این است که از برکت "انقلاب سفید" دهقانان کشور ما از فقر و بدبختی نجات یافته اند ولی در این باره هم ما به کرات در ستاره سرخ نشان دادیم با خوشبینانه ترین محاسبه ها ۵۰٪ از دهقانان صاحب زمین نشده اند و قسمت اعظم زمینها در تملك مالکین قدیم و یسا جدید است . برعکس نحوست این خیمه شب بازی سراسر روستا ها را فرا گرفته است

فقر شدید ناشی از استثمار دهقانان توسط مالکین ، سرمایه داری بوروکراتیک (بانکها) ، سرمایه های خارجی و ستم مامورین دولتی در دفاع از استثمارگران در دهات و اخراج دهقانان از دهات باعث شده است که خیل دهقانان بیکار چون سیل بسوی شهرها جریان یابد و نیروی کار آنان بصورت کالای ارزان قیمتی در اختیار استثمارگران سرمایه دار قرار گیرد . روحانی وزیر کشاورزی گفت : " در روستاهای ما برای ۳/۶ میلیون افسراد شافل ۹۰ روز کار کامل وجود دارد ، " از طرف دیگر نبودن

بدون زنان هیچ جنبش توده ای واقعی وجود ندارد